



مرکز تحقیقات اسلامی

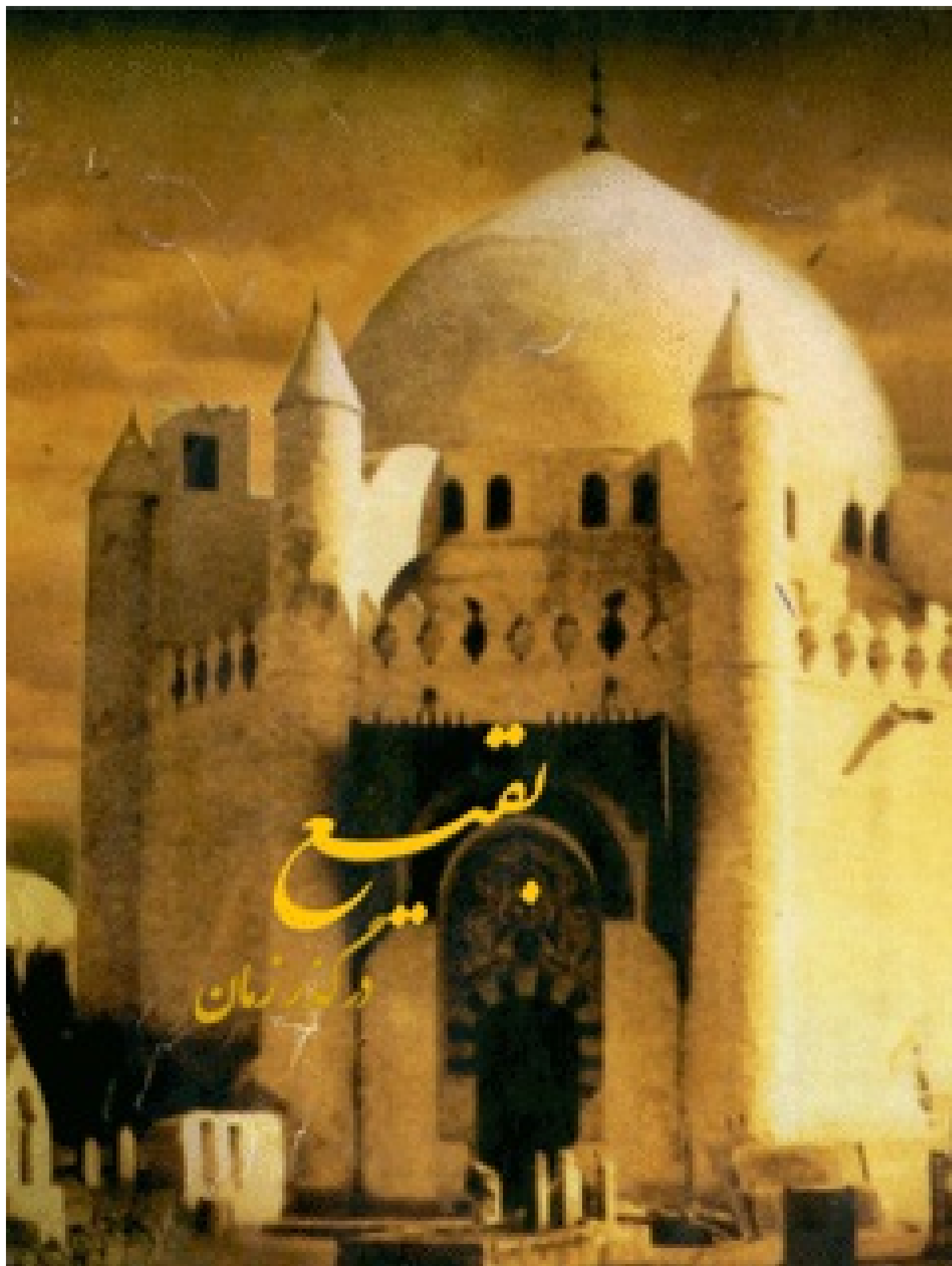
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بقیعی در گذر زمان

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	بقیع در گذر زمان
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	روز جهانی بقیع
۱۷	بقیع در گذر زمان
۱۷	اشاره
۱۹	بقیع در گذر زمان
۲۱	کهن ترین گورستان مسلمانان
۲۱	گلوآزه ی بقیع
۲۲	مدفونین بقیع
۲۲	اشاره
۲۲	اولین مدفون در بقیع
۲۴	اولین مدفون از انصار
۲۴	بقیع از منظر رسول اکرم صلی الله علیه وآله
۲۶	حرم ائمه بقیع علیهم السلام
۲۷	ریشه های تاریخی تئوری ویران سازی قبور
۲۹	برخورد دیگر مذاهب اسلامی با این تئوری
۳۰	پیشینه ی تاریخی تئوری تخریب
۳۴	پیشینه ی تهاجم به شهر مدینه
۳۷	کارنامه ی سیاه آل سعود
۳۹	آیا تعمیر قبور بدعت است؟
۴۵	کتابنامه ی بقیع
۵۱	ناگفته هایی پیرامون بقیع

۵۱	..... اشاره
۵۳	..... ۱- دیدار ملک خالد با یکی از مراجع تقلید و طرح بازسازی بقیع
۵۵	..... ۲- حضور بانوان در بقیع
۵۹	..... ۳- اختصاص یک قطعه در بقیع به شیعیان
۶۱	..... ۴- گزارش آیه الله عمری از حرم ائمه ی بقیع
۶۳	..... ۵- برخورد با شرطه ها
۶۵	..... ۶- پدیدار شدن پیکر جناب اسماعیل
۶۷	..... ۷- جسد پاک و مطهر عبدالله در بقیع
۷۳	..... ۸- انتقال جسد مطهر علی بن جعفر به بقیع
۷۷	..... ۹- ماتم سرای حضرت فاطمه سلام الله علیها در بقیع
۷۹	..... ۱۰- قبر نمادین حضرت فاطمه سلام الله علیها در بقیع
۸۳	..... فهرست
۸۷	..... درباره مرکز

## بقیع در گذر زمان

### مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، 1324 -

عنوان و نام پدیدآور : بقیع در گذر زمان/ علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر :

مشخصات ظاهری : 80 ص.

موضوع : بقیع - ائمه بقیع

موضوع : تاریخ - سرگذشت بقیع

ص: 1

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2



بقیع درگذر زمان

علی اکبر مهدی پور

ص: 3

بقیغ درگذر زمان

به مناسبت یکصدمین سال هدم قبور ائمه بقیغ

-----

نویسنده: علی اکبر مهدی پور

ص: 4

روز جهانی بقیع

ص: 5

سلام ما به بقیع و بُقاع ویرانش!

به آن حریم که باشد ملک، نگهبانش

سلام ما به بقیع، آن تجسّم غربت!

گواه بر سخنم، تربتِ امامانش

بقیع تربت پاک چهار معصوم است

چهار نور خدا، می دمد زدامانش [\(1\)](#)

ص: 6

---

1- . دیوان مؤید، ج 2، ص 966.

هشتم شوال یادآور بزرگ‌ترین جنایت قرن در مورد کهن‌ترین و مقدس‌ترین قبرستان مسلمانان است.

هشتم شوال یادآور تهاجم ددمنشانه‌ی وهابیان بی‌فرهنگ به حریم چهار امام معصوم شیعیان می‌باشد.

آل سعود روشن‌ترین مصداق کسانی هستند که در روی زمین فساد می‌کنند، سرزمین‌ها را نابود می‌کنند و برای نابودی نسل بشر تلاش می‌کنند. (1)

یک قرن تمام سلطنت نکبت‌بار آل سعود سایه سنگین و ننگین خود را بر حرمین شریفین تحمیل کرده، شبانه‌روز در راه نابودی حرث و نسل می‌کوشد.

دقیقاً صد سال پیش در هشتم شوال 1344 هجری دژخیمان آل سعود به مقدس‌ترین گورستان مسلمانان هجوم برده، قبور مطهر چهار امام معصوم را مورد تعرض قرار داده، گنبد و بارگاه ائمه‌ی بقیع، حضرت فاطمه بنت اسد، عباس

ص: 7

عموی پیامبر، ابراهیم فرزند پیامبر، همسران پیامبر، عمه های پیامبر، حلیمه ی سعدیه دایه ی پیامبر، عقیل برادر مولا، عبدالله همسر حضرت زینب و ام البنین مادر قمر بنی هاشم: را با خاک یکسان کردند و بقیع را به صورت شهری زلزله زده درآوردند.

یکی از جهانگردان غربی که پس از آن فاجعه ی بزرگ به مدینه سفر کرده، می نویسد:

چون وارد بقیع شدم، آنجا را همانند شهری دیدم که زلزله ی شدیدی در آن رخ داده باشد و به ویرانه ای مبدل شده باشد، همه جای بقیع قطعات سنگ، کلوخ و تیرهای چوبی به چشم می خورد، بارگاه های زیبا و نورانی فرزندان و یاران پیامبر با خاک یکسان شده بود.

حوزه های علمیه تعطیل شد، مراجع بزرگ تقلید چون آیه الله اصفهانی (قدس سره) و آیه الله نائینی (قدس سره) با ارسال تلگراف هایی کوبنده جنایات آل سعود را محکوم کردند، در همه ی کشورهای اسلامی چون مصر و عراق، ستادهایی تأسیس شد و عکس العمل های شدیدی ابراز شد.

در ایران نیز پس از سخنان شدید اللحن آیه الله مدرس در مجلس و تلگراف تند آیه الله میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی،<sup>(1)</sup>

رضاخان ناگزیر شد که روز شنبه 16 صفر 1344هـ. را در سراسر ایران تعطیل و عزای ملی اعلام کند.

در همه ی شهر ها مجالس عزا برگزار شد، جنایات آل سعود بازگو گردید،

ص: 8

---

1- . برای اطلاع از متن تلگراف به کتاب علمای معاصرین، ص 394 - 395 مراجعه فرمایید.

انزجار و تنفر همگان از عاملان این جنایت و حاکمان آن ها در سینه ها موج زد.

مردم قفقاز، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان با ارسال تلگراف مراتب انزجار خود را اعلام کردند، جز این که آل سعود در پاسخ همه گفتند که در آیین وهابیت ساخت گنبد و بارگاه حرام است!!!

ما این فاجعه ی بزرگ را محضر مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه تسلیت گفته، از خداوند منان تعجیل در امر فرج آن حضرت را مسئلت نموده، از ملت های آزادیخواه در سطح جهان می خواهیم که در بزرگداشت آن روز تلاش کنند، صدای دادخواهی شیعیان مظلوم را به مراکز بین المللی و سازمان های جهانی برسانند، جنایات آل سعود را به دادگاه لاهه، سازمان ملل و دیگر مراکز مربوطه بازگو کرده، بر حق مشروع ساختن گنبد و بارگاه بر فراز قبور ائمه ی هدی در بقیع و دیگر قبور تخریب شده در طائف و قبرستان ابوطالب در مکه ی معظمه تأکید نمایند، با برگزار کردن مجالس سوگواری، تدوین و نشر کتاب، جزوه و بنر و ساخت کلیپ و نماهنگ، فریاد بقیع همیشه مظلوم را به گوش جهانیان برسانند تا اندکی از غربت آن گنجینه ی تاریخ اسلام بزایند.

ص: 9





بقیع در گذر زمان

اشاره

ص: 11



دشمنان کوردلی که یارای مقابله با معارف والای خاندان عصمت و طهارت را نداشتند، همواره برای خاموش کردن خورشید فروزان این خاندان و ستارگان تابان از خاندان خاتم پیامبران، از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

روزی خانه ی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را در مدینه محاصره نمودند؛ روزی به خانه ی وحی هجوم بردند، با یک لگد ثلث عترت طاها را از بین بردند؛ روزی بر پیکر یوسف فاطمه اسب تاختند، تا نشانی از آن مشعل فروزان باقی نماند.

با مشاهده ی جاودانگی آن امام نور، منصور دوانیقی به سال 145 هجری، هارون الرشید به سال 193 هجری و متوکل عباسی در بین سال های 233 تا 247 هجری چندین بار قبر مطهر سالار شهیدان را با خاک یکسان کردند.

دست پرورده های مکتب خلافت به سال 443 هـ. حرم مطهر کاظمین را طعمه ی حریق نموده، جواهرات نفیس و گرانسنگ آن را به یغما بردند.

استعمار پیر انگلیس برای نهادینه کردن این جنایات، فرقه ی وهابیت را چون غده ی چرکینی در قلب جهان اسلام به وجود آورد.

پسر عبدالوهاب دست نشانده ی استعمار انگلیس به فرمان اربابان خود، همه ی ارزش های والای اسلام را به باد فنا داد.

وی به سال 1206 هجری، با بیماری جزام، با بدن متعفن به زیر خاک رفت، ولی بدعت های او به دست آل سعود هنوز ادامه دارد.

سعود بن عبدالعزیز به سال 1216 هجری در روز غدیر خم به کربلای معلی حمله کرد، بیش از 20/000 نفر از زائرین و مجاوران را به شهادت رسانید و بار 70 شتر طلا و جواهرات از حرم امام حسین (علیه السلام) به غارت برد.

وی چندین بار به نجف اشرف یورش برد، با دفاع جانانه ی مراجع بزرگ مواجه شد و ناکام برگشت.

به سال 1218 هجری قبور اولیای الهی را در مکه، سپس در مدینه ویران نمود و چهار صندوق جواهرات از حرم پیامبر اکرم به انگلستان منتقل نمود.

پس از شکست آل سعود از دولت عثمانی، قبور مطهره تجدید بنا شد، ولی یکبار دیگر با دستگیری انگلستان آل سعود به قدرت رسیده، در هشتم شوال 1344 هجری همه ی گنبدها و بارگاه های بقیع را ویران کردند.

بقیع مظلوم که بهارستان ایمان و نگارستان اسلام بود، با داشتن قبر مطهر چهار امام معصوم و بیش از 12000 تن از اصحاب پیامبر، نورانی ترین بقعه در روی زمین بود، که توسط وهابیان بی فرهنگ به شهر زلزله زده مبدل گردید.

به کوری چشم خفّاش صفتان که تاب دیدن خورشید را ندارند، خورشید فروزان بقیع همواره بر دل های مؤمنان نورافشانی می کند و این گستاخی ها چیزی از عظمت آن نمی کاهد.

ولی این جنایات وحشیانه و ددمنشانه‌ی وهابیان، اسلام را در دنیا آیینی خشن معرفی نموده، فرهنگ والای اسلام را زیر سؤال می‌برد.

## کهن ترین گورستان مسلمانان

بقیع کهن ترین گورستان مسلمانان است که دقیقاً یک هزار و چهارصد و چهل سال پیش، در شعبان سال سوم هجری، به امر پیامبر اکرم و به دست آن حضرت به عنوان گورستان مسلمانان بنیاد گردید.

پیش از هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به شهر یثرب، دو قبرستان به نام: بنی حرام و بنی سالم در این شهر وجود داشت.

اولین کسی که از مهاجران در شهر مدینه وفات کرد، عثمان بن مظعون بود که در رأس سی امین ماه از هجرت، یعنی در شعبان سال سوم هجری در مدینه وفات کرد و در بقیع مدفون گردید و آن دو قبرستان پیشین متروکه گردید.

## کلوازه‌ی بقیع

خلیل پیشتاز اهل لغت می‌نویسد:

بقعه به قطعه زمینی گفته می‌شود که از زمین‌های مجاور خود متفاوت باشد.

بقیع به زمینی گویند که در آن ریشه‌ی درختان گوناگون باشد.

به همین جهت «بَقِيعُ الْغَرَقَدِ» مدینه را «بقیع» می‌نامند.

«غرقد» نام درختی است که در آنجا می‌روید، آن درخت از بین رفته، ولی

نامش بر روی آن سرزمین مانده است.<sup>(1)</sup>

ابن فارس نیز در این رابطه می نویسد:

«بقیع» زمینی که در آن ریشه ی درختان مختلف باشد و «غرقد» درخت خاردار است که در آن جا می روید.<sup>(2)</sup>

## مدفونین بقیع

### اشاره

از سال سوم هجری اصحاب، یاران، همسران، خویشان و خویشاوندان پیامبر، مجاوران حرم نبوی و زائران مدینه ی منوره که در این شهر به لقاء پروردگار رسیده اند، در بقیع به خاک سپرده شده اند.

قاضی عیاض در کتاب المدارک از امام مالک نقل کرده که بیش از 10/000 نفر از صحابه ی پیامبر در خاک بقیع آرمیده اند.

### اولین مدفون در بقیع

اولین فردی که از مهاجران در مدینه وفات کرد، عثمان بن مظعون بود.<sup>(3)</sup>

که در رأس سی امین ماه هجرت، یعنی در شعبان سال سوم هجری در مدینه درگذشت.<sup>(4)</sup>

ص: 16

---

1- . خلیل، کتاب العین، ماده «بقع».

2- . ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 1، ص 282.

3- . سمهودی، وفاء الوفاء، ج 3، ص 892.

4- . ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 3، ص 3963.

عثمان بن مظعون چهاردهمین فردی بود که به آیین اسلام گروید، به حبشه هجرت کرد، سپس به مدینه هجرت کرده، در جنگ بدر حضور یافت.

پس از ارتحال او پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امر فرمود که زمین بقیع را هموار سازند و پیکر پاک او را در بقیع به خاک بسپارند.

چون جنازه را در قبر نهادند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد قبر شده، جنازه عثمان بن مظعون را بوسه باران کردند و فرمودند:

رفتی و با آلودگی های دنیا آلوده نشدی. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سنگ بزرگی را روی قبر او نهاد و فرمود:

با این سنگ قبر برادرم را علامت می گذارم و هر کس از خاندانم فوت کند، در کنارش دفن می کنم. (2)

این سنگ به قدری بلند بود که خارجه بن زید می گوید: ما در جوانی از روی آن پرش می کردیم و مسابقه می گذاشتیم. (3)

هنگامی که ابراهیم فرزند پیامبر وفات کرد، فرمود:

به سلف صالح ما بییونند.

سپس او را در کنار قبر عثمان بن مظعون دفن کردند. (4)

ص: 17

---

1- . همان.

2- . ابوداود، السنن، ج 2، ص 69.

3- . ابن حجر، فتح الباری، ج 3، ص 264.

4- . ابن حجر، الاصابه، ج 4، ص 461.

پیش از عثمان بن مظعون، اسعد بن زراره ی انصاری، از انصار، در اوّل ماه نهم از هجرت، در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد، جز این که بقیع پس از دفن عثمان بن مظعون به عنوان گورستان برگزیده شد.

اسعد بن زراره در هر سه بیعت عقبه حضور داشت و اولین کسی بود از اهل یثرب که با آن حضرت بیعت نمود.

پیش از هجرت پیامبر به یثرب، او نخستین کسی بود که در یثرب نماز جمعه اقامه کرد. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کفن و دفن او حضور یافت، بر جنازه اش نماز خواند و او را در بقیع دفن نمود. (2)

### بقیع از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله

روایات فراوانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد بقیع رسیده، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

خداوند متعال 70/000 نفر را در روز رستاخیز از بقیع

ص: 18

---

1- . همان، ج 1، ص 32.

2- . ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 3، ص 611.



برمی انگیزد که سیمای آن ها همانند ماه چهارده شبه می باشد و بدون حساب وارد بهشت می شوند. (1)

2. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

به من امر شده که برای اهل بقیع طلب مغفرت کنم.

3. و در همین رابطه می فرمود:

من مأمور هستم که برای آنها دعای خیر کنم. (2)

4. و در همین راستا می فرمود:

من برانگیخته شدم که برای اهل بقیع دعا کنم. (3)

5. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حداقل هفته ای یک بار به زیارت اهل بقیع می رفت. (4)

6. عایشه می گوید: هر شبی که نوبت من بود، پیامبر اکرم آخر شب به بقیع می رفت و خطاب به اهل بقیع می فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَأَتَاكُمْ مَا تَوَعَدُونَ، غَدًا مُؤَجَّلُونَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيْعِ الْغُرَقَدِ. (5)

ص: 19

---

1- . طبرائی، معجم کبیر، ج 25، ص 181، حاکم، مستدرک صحیحین، ج 4، ص 568.

2- . احمد حنبل، المسند، ج 6، ص 252.

3- . امام مالک، الموطأ، ج 1، ص 242.

4- . مسلم، الصَّحیح، ج 2، ص 9.

5- . همان؛ ج 2، ص 669.

حرم مطهر ائمه ی بقیع همواره مورد توجه و مزار زائران و عاشقان شیفته و پاکبخته ی خاندان عصمت و طهارت بود.

مزار امامان در طول قرون و اعصار سایه بان داشت، اولین گنبد و بارگاه بر فراز تربت پاک آنان به سال 488 ق. توسط اسعد بن محمد بن موسی، وزیر بُرکیاژق، پسر ملکشاه سلجوقی ساخته شد.

مسترشد بالله عباسی، به سال 519 و النَّاصر لدین الله عباسی، به سال 560 آن را مرمت کردند.

ابن جبیر، ابن نجار و ابن بطوطه در قرن هفتم به زیارت ائمه ی بقیع شتافته، از گنبد و بارگاه آنها سخن گفته اند.

در سال 950 ق. سلطان سلیمان گنبد همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تجدید بنا کرد.

به سال 1221 ق. وهابیان آنها را تخریب کردند، سپس سلطان محمود عثمانی تجدید بنا نمود.

تا در سال 1343 ق. مجدداً آل سعود به قدرت رسیدند و در تاریخ 24 جمادی الثانیه 1344 ق دولت سعودی رسماً تأسیس شد و هدم قبور ائمه ی بقیع در هشتم شوال همان سال انجام یافت.

بر این اساس بقیع در طول دوازده قرن تمام، مورد احترام حکومت ها بود، ولی پس از به قدرت رسیدن آل سعود، انواع گستاخی ها و بی حرمتی ها در مورد قبور امامان، همسران، فرزندان، یاران، و فرهیختگان از مهاجران، انصار و خاندان

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به وقوع پیوست.

این تئوری فاسد و خانمانسوز بر پایه ی چند حدیث شبهه ناک پی ریزی شده، که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

### ریشه های تاریخی تئوری ویران سازی قبور

1. ابوالهیاج گوید: علی 7 به من مأموریت داد که هیچ تمثالی را نگذارم جز این که نابودش کنم و هیچ قبری را نگذارم جز این که صافش کنم. (1)

(1) در سند این حدیث «وُكِّع» قرار دارد که ابن حجر می نویسد: او در 500 حدیث دچار اشتباه شده است. (2)

(2) همچنین حبیب بن ابی ثابت در سند آن قرار دارد که در احادیث تدلیس می کرد. (3)

(3) از تعبیر «تمثالاً» معلوم می شود که مربوط به قبرستان مشرکان بود، زیرا در قبرستان مسلمانان تمثالی وجود نداشت.

(4) از مشکلات محتوایی حدیث این است که صاف کردن قبور در اسلام رجحان ندارد، چنانکه قبر شریف رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، مُسَنَّم بود. (4)

و فقهای عامّه

ص: 21

---

1- . مسلم، الصَّحیح، ج 3، ص 61.

2- . ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج 11، ص 125.

3- . همان، ج 3، ص 179.

4- . بخاری، الصَّحیح، ج 2، ص 212.

تسنیم را مستحب می دانند. (1)

مُسْنَم به معنای مرتفع می باشد و قبر مُسْنَم یعنی قبری که از زمین بلندتر باشد و مسطح نباشد. (2)

2. می گویند ساختن بنا بر فراز قبور بدعت است.

در حالی که متن قرآن و احادیث رسیده و سیره اصحاب بر خلاف آن می باشد:

1) قرآن کریم از رایزنی افرادی که به قبور اصحاب کهف دسترسی پیدا کردند، نقل می کند که گفتند: «بر فراز قبور آنها ساختمانی بسازید». آنان که بر این امر غلبه کردند گفتند:

«بلکه بر فراز قبور آنها مسجد می سازیم». (3)

2) پیامبر اکرم 9 را اصحاب در داخل حجره شریف دفن کردند و هنگامی که عمر بن عبدالعزیز آن را تعمیر کرد به ساختمان حجره دست نزد. (4)

3) ابراهیم فرزند پیامبر را در خانه ی محمد بن زید دفن کردند. (5)

4) فاطمه بنت اسد و اسعد بن زراره را در خانه ی عقیل دفن کردند. (6)

5) سعد معاذ را در خانه ی ابن افلج به خاک سپردند. (7)

ص: 22

---

1- . بیهقی، السنن الکبری، ج 4، ص 4.

2- . ابن منظور، لسان العرب، ج 6، ص 394.

3- . سوره کهف، آیه 21.

4- . ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 2، ص 307.

5- . سمهودی، وفاء الوفاء، ج 3، ص 893.

6- . ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 127.

7- . همان، ج 3، ص 915.

6) عباس عموی پیامبر را در خانه ی عقیل دفن کردند. (1)

7) حضرت ابراهیم، حضرت داوود، حضرت سلیمان، حضرت یعقوب و حضرت یوسف: همگی بقعه و سقف داشتند، به هنگام فتح بیت المقدس خلیفه شخصاً در بقعه ی حضرت داوود و حضرت سلیمان حضور یافته، نماز خوانده، برای خادمان بقعه حقوق تعیین کرد. (2)

3. گویند: نباید بر فراز قبور ساختمان ساخته شود، تا مورد پرستش قرار نگیرند.

در پاسخ باید گفت: پرستش یا عدم پرستش هیچ ربطی به داشتن و نداشتن گنبد و بارگاه ندارد. حضرت عیسی (علیه السلام) قبر ندارد و مورد پرستش قرار گرفته است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) گنبد و بارگاه دارد، ولی مورد پرستش قرار نگرفته است.

### برخورد دیگر مذاهب اسلامی با این تئوری

همه ی مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی با این طرز تفکر و هابیان مخالف هستند، تاکنون بیش از 500 جلد کتاب از سوی عالمان بزرگ شیعی و سنی در رد عقاید سست و بی اساس فرقه ی وهابیت چاپ و منتشر شده است. (3)

ص: 23

1- . سمهودی، همان، ج3، ص 910.

2- . حموی، معجم البلدان، ج1، ص 522.

3- . کتاب شناسی 350 مجلد از آنها را در کتاب: « تاریخ وهابیان » آوردیم.

به این جهت به دنبال تخریب قبور مطهر ائمه ی بقیع جمعیت هایی در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی تشکیل شد و هریک گروهی را برای رسیدگی به اوضاع مدینه به این شهر گسیل داشتند، که از آن جمله است:

- 1) کاروان جمعیت خلافت اسلامی، از سوی پادشاه عثمانی که روز پنجم کانون اول 1925 م. وارد مدینه شدند.
- 2) کاروان جمعیت خدام الحرمین، از کشور هند، که روز 15 کانون اول 1926 م، وارد مدینه ی منوره شدند. (1)
- 3) کمیسیون دفاع از حرمین شریفین که روز اول ذیقعده الحرام 1344 ق، برابر 13 مه 1926 م، در تهران تاسیس شد.
- 4) هیأت علمیه ی نجف اشرف و تلگراف آنها به مرحوم مدرّس.
- 5) تلگراف آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به امام جمعه ی خوی.
- 6) سخنرانی مدرس در مجلس و اعلام عزای عمومی در روز شنبه 16 صفر 1344 ق در سرتاسر ایران.

### پیشینه ی تاریخی تئوری تخریب

ستمگران ستم پیشه در طول تاریخ گام های بلندی در تخریب قبور مطهر پیشوایان دینی برداشته اند و در این راه از هیچ جنایتی دریغ نرزیده اند، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

ص: 24

---

1- . جعفرالخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، ج3، ص 333.

1) نخستین گام در این رابطه توسط معاویه بن ابی اسفیان در سال 49 ق. برداشته شد.

وی از انتشار عنوان هند جگر خواره برای مادرش به شدت رنج می برد، از این رهگذر تصمیم گرفت که قبر شریف جناب حمزه را تخریب کند تا از مادرش به عنوان قاتل و جگر خواره کمتر یاد شود.

در آن تاریخ 46 سال تمام از شهادت حضرت حمزه می گذشت.

معاویه به بهانه ی حفر قنات و آبرسانی به مدینه به اُحد آمد و نخستین کلنگ را به قبر حضرت حمزه زد.

جنازه جناب حمزه به صورت تر و تازه نمایان شد، بیل به پای آن حضرت خورد، خون تازه از پای مبارکش سرازیر شد و به این وسیله مقام و جایگاه حضرت حمزه بیش از پیش بر سر زبان ها افتاد. (1)

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: اجساد شهدا آنقدر تر و تازه بود که مفاصل بدنشان به راحتی باز و بسته می شد. (2)

پس از گذشت چهارده قرن از شهادت حضرت حمزه، یک بار دیگر بدن شریف ایشان در اثر سیل نمایان شد، علامه محمود صوّاف که از شاهدان عینی جسد مطهر ایشان بود، می گوید: بدن کاملاً تر و تازه بود، آثار مُثله در گوش، دماغ و لب های ایشان آشکار بود، شکم شریفش پاره شده، امعاء و احشایش بیرون ریخته بود.

ص: 25

---

1- . سمهودی، وفاءالوفاء، ج3، ص 102.

2- . ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج1، ص 133.

این داستان را دکتر طارق سویدان در سری کتاب های «قصّة النَّهایه» اش نقل کرده، سپس در سایت خود آن را قرار داد، بعدها تحت فشار وهابی ها آن را از سایت خود حذف نمود. (1)

2) گام دوم را هارون الرشید برداشت، قبر شریف امام حسین (علیه السلام) را با خاک یکسان کرد و آن درخت سدر که نشان قبر شریف بود، قطع کرد و حدیث شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که فرموده بود: خداوند لعنت کند قطع کننده ی آن درخت سدر را، در حق ایشان تحقق یافت. (2)

3) سومین گام را متوکل عباسی برداشت که 17 بار قبر شریف امام حسین 7 را با خاک یکسان کرد، دستور داد محل را شخم بزنند، گاوها پیش نرفتند، کشاورز بیچاره را گردن زد تا خبر منتشر نشود، دستور داد که بر قبر شریف آب ببندند، آب در گرداگرد قبر شریف دور زد و به تعبیر صحیح تر قبر شریف را طواف نمود و آثار قبر از بین نرفت. (3)

بلکه به عنوان حائر برای حرم آن حضرت در تاریخ رقم خورد.

روز یازدهم محرم حضرت زینب (علیها السلام)، به امام سجاد (علیه السلام) فرمود: پرچمی بر فراز قبر برادرم نصب می شود که تا روز قیامت در اهتزاز خواهد بود. و اینک صدق گفتار عقیده العرب را به چشم خود می بینیم. (4)

ص: 26

---

1- . پرینت سایت دکتر سویدان در کتابخانه ی نگارنده موجود است.

2- . شیخ طوسی، الامالی، ص 325، مجلس 11، ج 98.

3- . محدث قمی، تنمة المنتهی، ص 390.

4- . ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 272، باب 88.



4) چهارمین گام را گروهی از رجّاله ها به سال 443 ق در کاظمین برداشتند، حرم مطهر را تخریب کردند، ضریح امام کاظم و امام جواد(علیهم السلام) را آتش زدند، جسد گروهی از دوستان اهل بیت چون، ناشی، حدوجی و عونى شاعر را از قبر بیرون کشیدند و آتش زدند.

همین رجّاله ها در سال 448 ق. حمله ی وسیع تری انجام داده، در ماه صفر کتابخانه ی شیخ طوسی را در میدان کرخ بغداد به آتش کشیدند و هشتاد هزار جلد کتاب (نسخه ی خطی) در آتش کین سوخت.

روز اول ربیع الثانی به حرم کاظمین تاختند، روز هشتم ربیع الثانی روی قبرهای مطهر امامین همامین پایکوبی کرده، اشعار نامناسبی خواندند، که متن آنها را ابن جوزی در المنتظم و مرآة الزّمان آورده است.

5) گام بلندتر را ابن تیمیه برداشت، تخریب قبور را فرض دانست، زیارت قبور را شرک و بدعت معرفی کرد.

6) گام بعدی را شاگردش ابن جوزیه برداشت و سخنان ابن تیمیه را نشر داد.

7) فجع ترین گام را شیخ نوح، شیخ الاسلام عثمانی برداشت و رسماً اعلام کرد که هر کس یک نفر شیعه را بکشد، بهشت بر او واجب می شود.

بر اساس این فتوا خلیفه ی عثمانی هشتاد هزار نفر را در یک روز گردن زد و در ادامه چهل هزار نفر از شیعیان حلب به دستور خلیفه ی عثمانی به قتل رسیدند.

8) هشتمین گام را استعمار پیر انگلیس به دست نوکر حلقه به گوش خود محمد بن عبدالوّهّاب برداشت و سخنان بی اساس ابن تیمیه را نهادینه کرد، به

اهالی حرمین شریفین اعلام کرد که باید همه ی گنبد‌ها و گلدسته‌ها تخریب شود، تا بساط شرک از روی زمین برچیده شود.

برای قداست دادن به یاوه سرایی های محمد بن عبدالوهاب، اعلام کردند که باید همه معتقد شوند که به او الهام می شود و هر کس وهابیت را نپذیرد، باید به قتل برسد. (1)

### پیشینه ی تهاجم به شهر مدینه

تهاجمات فراوان از سوی حاکمان فاقد ایمان، به هجرت سرای پیامبر اکرم اتفاق افتاده که صفحات تاریخ را لکه دار نموده است، که به تعدادی از این تهاجمات وحشیانه اشاره می کنیم:

1) معاویه بن ابی سفیان بعد از جنگ صفین یکی از سرداران خون آشام خود بئر بن اریطه را به مدینه ی منوره فرستاد و به او فرمان داد که مدینه را قتل عام نموده، دوستان مولای متقیان را از دم تیغ بگذرانند. او نیز با لشکری جزّار به مدینه تاخته، از کشته ها پشته ساخته، به بهانه ی خونخواهی عثمان بر مرد و زن رحم نکرده، حتی کودکان را نیز از دم تیغ گذرانید. (2)

2) بعد از معاویه، پسرش یزید نیز راه پدر را در پیش گرفت، مُسلم بن عُقبه را با 12000 نفر از خون آشامان به مدینه گسیل داشت و به او فرمان داد از اهل مدینه

ص: 28

---

1- . مشروح جنایات وهابیان به هنگام حمله به حرمین شریفین مکه و مدینه را در کتاب «تاریخ وهابیان» تالیف: ایوب صبری، ترجمه ی نگارنده ملاحظه فرمایید.

2- . ثقفی، الغارات، ص 640.

به عنوان برده ی زر خرید برای من بیعت بگیر، هر کس امتناع بورزد گردن بزن و بر احدی رحم نکن مُسلم بن عُقبه که در تاریخ به عنوان «مُسرف بن عُقبه» شهرت یافته، از هیچ جنایتی فرو گزار نشد و فاجعه ی معروف به «حَرّه» را پدید آورد.

در این فاجعه 700 تن از حاملان قرآن کشته شدند و به حریم هزار تن از نوامیس تعدی شد. (1)

فاجعه آمیزتر این که وی این جنایت را به قصد قربت انجام داده و آن را مهم ترین ذخیره ی آخرت خود قلمداد نموده (2)

زیرا به فرمان خلیفه مسلمین انجام داده است. در این فاجعه 306 تن از چهره های برجسته ی مهاجران و انصار به قتل رسیدند. (3)

3) سوّمین حمله به مدینه ی منوره توسط منصور دوانیقی برای دستگیری و ریشه کن ساختن مجاهدان از تبار امام حسن مجتبی 7 بود. منصور با ارسال لشکری متشکل از 4000 سوار و 2000 پیاده به فرماندهی برادرزاده اش عیسی بن منصور، به مدینه منوره، نفس زکیه و طرفدارانش را قلع و قمع نمود. (4)

4) چهارمین تهاجم به فرمان هادی عباسی (برادر هارون الرشید) برای نبرد با حسین بن علی، مشهور به صاحب فخ و کشتار آنان در مدینه ی منوره به طرزی بسیار فجیع بود. (5)

ص: 29

---

1- . بلاذری، انساب الاشراف، ج3، ص 211، ثقفی، الغارات، ص 409.

2- . ذهبی، تاریخ الاسلام، ج5، ص 26-30.

3- . خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص 250.

4- . محدث قمی، تّمّة المنتهی، ص 237-247.

5- . ابوالفرج، مقاتل الطّالبيين، ص 344-365.

5) مهم ترین، فاجعه آمیزترین و گستاخ ترین حمله به مدینه منوره توسط آل سعود، اتفاق افتاد که به تخریب قبور ائمه ی بقیع منجر شد.

وهابیان نخست در سال 1221 ق. گنبد و بارگاه اهل بیت عصمت و طهارت را در بقیع خراب کردند، همه ی اشیاء قیمتی حرم پیامبر را به غارت بردند، مرواریدی بر فراز قبر مطهر پیامبر اکرم نصب بود، که آن را شریف غالب به یکصد هزار دلار خرید، بخش دیگری از جواهرات حرم را کمپانی های هندی به پنجاه هزار دلار خریدند.

بورخارت که پس از این تهاجم وحشیانه از بقیع دیدن کرده می نویسد:

وهابی ها همه ی گنبدها را خراب کرده اند، فقط تعدادی بر فراز قبور ائمه، عباس، فاطمه و عمّات پیامبر، باقی مانده است. (1)

وی اضافه می کند که در احد گنبد حضرت حمزه را تخریب کرده اند، ولی به قبر دست نزده اند، ولی قبور دوازده تن از شهدای احد را با خاک یکسان کرده اند.

پس از سقوط دولت سعودی، سلطان محمود عثمانی آنها را بازسازی کرد. (2)

یکبار دیگر دولت آل سعود به قدرت رسیده، مقابری را در سال 1343 ق، در مدینه تخریب کردند.

مرحوم مدرس روز هشتم شهریور 1304 ش. برابر دهم صفر 1344 ق. در مجلس نطق مهمی ایراد نمود. در نتیجه روز شنبه 16 صفر 1344 ق. در سرتاسر ایران عزای ملی اعلام شد.

ص: 30

---

1- . جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، ج 3، ص 254.

2- . همان.

هیأتی از سوی دولت ایران به جدّه رفت. با ملک عبدالعزیز دیدار و گفتگو نمودند، عبدالعزیز در این گفتگو خیلی نرمش نشان داد، ولی طولی نکشید که پایه های آل سعود استوار گردید و دیگر مقابر موجود، از جمله گنبدها و بارگاه ائمه ی بقیع را تخریب کردند.

دولت دست نشانده آل سعود، با دستیاری انگلیس روز 24 جمادی الثانیه 1344 ق رسماً به قدرت رسید و در هشتم شوال همان سال بقیع را به تلی از خاکستر تبدیل کرد.

هدم قبور ائمه ی بقیع: دقیقاً روز هشتم شوال 1344 قمری، برابر دوم اردیبهشت 1304 شمسی و 21 آوریل 1926 میلادی می باشد.

مستر روتر که در همان سال از مدینه دیدن کرده می نویسد:

همه جا تل خاک، سنگ، آجر، چوب، و تخته است، شهر مدینه، به یک شهر زلزله زده شباهت دارد که ساختمان ها فروریخته، تلی از خاک، چوب و آجر و دیگر مصالح ساختمانی به چشم می خورد. (1)

### کارنامه ی سیاه آل سعود

جنایات آل سعود به هدم قبور منحصر نمی شود، بلکه در این دو قرن که از تولد نامشروع این دولت دست نشانده می گذرد، جنایات زیر را انجام دادند:

1. قتل عام اهالی کربلا در روز عید غدیر خم 1216 ق.

ص: 31

---

1- . همان، ص 329.

2. حمله به شهر مقدس نجف اشرف، در روز نهم صفر 1221 ق.

3. حمله ی مجدد به نجف اشرف در جمادی الثانیة 1222 ق.

4. محاصره ی کربلا و حله در سال 1225 ق.

5. حمله به سوریه به سال 1225 ق.

6. حمله به یمن در سال 1341 ق.

7. حمله به طائف در سال 1343 ق.

8. حمله به اردن به سال 1343 و 1346 ق.

9. حمله به مدینه منوره در سال های 1343 و 1344 ق.

10. تهاجم به مکه ی معظمه و هدم قبر شریف حضرت خدیجه، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب؛ و در ادامه تخریب خانه حضرت خدیجه در مکه معظمه، خانه ابویوب انصاری در مدینه، قبر مطهر حضرت آمنه در ابواء، قبر مطهر حضرت علی بن جعفر در عریش و... با این همه جنایت که وهابیان انجام داده اند، آرزوی آنها برآورده نشده و در صدد فرصتی هستند که قبر مطهر پیامبر اکرم را نیز همانند ائمه ی بقیع به تلی از خاک مبدل سازند.

البانی می گوید: زیارت مدینه، قصد زیارت با سفر، توسل، طلب شفاعت، سلام بر قبر و ابقای قبر پیامبر همه اش بدعت است. (1)

ابراهیم جبهان، گامی فراتر نهاده می نویسد: ادخال قبر پیامبر در مسجد بدعت و گناه است و سکوت مسلمانان نیز گناه می باشد. (2)

ص: 32

---

1- . البانی، مناسک الحج و العمرة، ص 60.

2- . جبهان، تبذیر الظلام، ص 389.

در گزارش هیأت اعزامی دولت ایران به مدینه آمده است:

سه روز در مدینه توقف کردیم، روز دوم بعد از ادای فریضه ی زیارت و عتبه بوسی، آغاباشی (خادم باشی) برای هریک از ما لباس خدمتکار آورد، پوشیدیم بالای مناره رفتیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم، از آنجا قبه ی مطهر را زیارت نمودیم، از آنجا مشاهده کردیم که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه ی مطهر اصابت نموده و اندکی سوراخ کرده است. (1)

جالب توجه است که فرستاده رضاخان که سعی بلیغ داشت جنایات وهابی ها را کم رنگ جلوه دهد، به مشاهده ی جای پنج گلوله بر فراز گنبد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تصریح کرده است.

عبدالعزیز پس از آنکه تخریب قبور را به گردن دیگران می اندازد، خطاب به نماینده دولت ایران می گوید:

بلی وهابی ها اعتقاد به تعمیر قبرها و قبه ها ندارند و آن را بدعت می دانند و حدیث: «خیر القبور الدّوارس» را معتبر می شناسند. (2)

### آیا تعمیر قبور بدعت است؟

نگارنده در سال 1355 یا 1356 ش. عازم حج بودم، روز چهارم ذیحجه اجازه ی خروج از کشور را پیدا کردم، برای جدّه بلیط پیدا نکردم، به ناگزیر بلیط

ص: 33

---

1- . اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص 50.

2- . همان، ص 28، یعنی: بهترین قبرها، قبرهای فرسوده می باشد.

تهران، شیراز، ظهران و ریاض گرفتیم، در ریاض به راننده تاکسی گفتیم: من می‌خواهم به قبرستانی که سلاطین آل سعود در آن مدفون هستند بروم، چون وارد قبرستان مربوطه شدم، دیدم همه ی قبرهای سلاطین آل سعود با مرمرهای قیمتی تزئین شده اند.

پس حدیث مجعول «خیر القبور الدّوارس» منحصرأ در مورد قبور مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت می باشد و شامل سلاطین آل سعود نمی شود.

در حالی که رژیم آل سعود موسسه ای برای نگهداری آثار و وسائل شخصی ملک عبدالعزیز، همچون شمشیر، انگشتر، ساعت شخصی، سلاح های کمری، ماشین شخصی، اتاق خواب و لباس های داخلی وی، به نام: «دار الملک عبدالعزیز» تاسیس کرده، همه آثار بر جای مانده از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را به کلی منهدم کرده است.

رژیم سعودی 12 میلیون ریال سعودی برای حفاظت و نگهداری ویرانه های دژ سعودی در درعیه اختصاص داده، ویرانه های حصن کعب بن اشرف یهودی را با چنگ و دندان حفاظت می کند، در کنار دیوارهای بر جای مانده ی آن، تابلوهای هشدار دهنده زده و اعلام کرده که هرگونه دست زدن به آن پیگرد قانونی دارد، ولی همه ی آثار تاریخی مربوط به پیامبر اکرم را به کلی از بین برده است. (1)

این شیوه رفتار آل سعود با قبور، بر خلاف سیره ی پیامبر اکرم، اصحاب و خاندان عصمت و طهارت: می باشد، اینک به چند حدیث در این رابطه اشاره می کنیم:

ص: 34

---

1- . بقیع، ارگان جامعه روحانیت مبارز جزیره العرب، سال چهارم، شماره 47-48، ص 15.



1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شخصاً روی قبر عثمان بن مظعون سنگ بزرگی گذاشت تا نشان باشد و آثار قبر از بین نرود. (1)
2. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از دفن فرزندش ابراهیم با دست مبارک خود بر آن آب می پاشید تا قبر محکم شود و با وزش باد خاک های روی قبر از بین نرود. (2)
3. پس از ساختن لحد ابراهیم سوراخی در قبر ابراهیم پیدا شد، حضرت امر فرمود که آن را درست کنند، پرسیدند: آیا این کار نفعی به حال میت دارد؟  
فرمود: دیدگان بازماندگان را روشن می کند. (3)
4. حضرت فاطمه (علیها السلام) هر هفته به زیارت حضرت حمزه شریف می برد، قبر شریف جناب حمزه را تعمیر و مرمت می کرد و با سنگی بر آن نشان گذاشته بود. (4)
5. علامه مجلسی فرموده: در روایات مستفیضه به تعمیر قبور انبیاء و اولیا ترغیب شده، که از بین نروند و مردم از زیارت آنها محروم نشوند. (5)
6. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قبر مادرش را در ابواء زیارت کرد و آن را ترمیم نمود. (6)
7. امام صادق (علیه السلام) پولی به صفوان داد که قبر مطهر امیر مؤمنان (علیه السلام) را تعمیر کند. (7)

ص: 35

- 
- 1- . ابن ماجه، السنن، ج 1، ص 498.
  - 2- . بیهقی، السنن الکبری، ج 3، ص 411.
  - 3- . طبرانی، المعجم الکبیر، ج 24، ص 306.
  - 4- . سمهودی، وفاء الوفاء، ج 3، ص 932.
  - 5- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 82، ص 38.
  - 6- . همان، ج 15، ص 162.
  - 7- . ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص 242.

8. امام کاظم (علیه السلام) دستور داد که قبر دخترش را در «فید» گچکاری کنند و نامش را در لوحی بنویسند و بر آن نصب کنند. (1)

9. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

يا علي! مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّمَا أَعَانَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ؛

علی جان! هر کس قبرهای شما را تعمیر کند، و به زیارت آنها مداومت کند، همانند کسی است که در ساختن بیت المقدس به حضرت سلیمان یاری کرده باشد. (2)

10. پیامبر رحمت در فرازی از همین حدیث شریف فرمود:

لكن تقاله هابی از مردم، زائران قبر شما را سرزنش می کنند، همانگونه که زنان بدکاره را برای کار خلافشان نکوهش کنند.

آنها بدترین امت من هستند، هرگز شفاعت من به آنها نمی رسد و به حوض من وارد نمی شوند. (3)

این حدیث شریف یکی از معجزات غیبی پیامبر اکرم می باشد، که گویی وهابیت گمراه امروز و رفتار ناهنجار آنان با دوستان اهل بیت و نکوهش آنها از زیارت اهل قبور را با چشم خود می دید و با بیان شفاف خود از این گروه سخن

ص: 36

---

1- . علامه مجلسی، همان، ج 48، ص 289.

2- . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 22.

3- . همان.

گفته و آنها را «تقاله» تعبیر کرده است.

این حدیث شریف در کتاب تهذیب شیخ طوسی، سه قرن پیش از ابن تیمیّه و هشت قرن پیش از محمد بن عبدالوهاب ثبت شده است.

هشدار بسیار زیبای مولای متّقیان نیز در مورد حفاظت و حراست از بقعه ها و قبّه ها بسیار حائز اهمیت است که می فرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ؛

هان ای بندگان خدا، از خدا تقوا کنید در مورد بندگان خدا و سرزمین های خدا، که شما مورد بازخواست قرار خواهید گرفت، حتی در مورد بقعه ها و حیوانات. (1)

آتشی که محمد بن عبدالوهاب در اجرای نقشه های شیطان‌ی اربابان انگلیسی خود بر افروخت، امروز شعله ور شده، حرم مطهر عسکرین 8 را طعمه ی آتش نمود و بزرگ ترین گنبد طلائئ روی زمین را منهدم نمود. این هتک حرمت که بزرگ ترین فاجعه ی قرن به شمار می آید، در روز چهارشنبه 23 محرم الحرام 1427 ق. برابر 3/12/84 ش. 22 فوریه 2006 م. رخ داد و جهان اسلام را در سوگ نشاند.

همین تقاله های سلفی - وهابی با تمام قدرت تلاش می کنند که سوریه را ناامن کنند، تا بتوانند حرم مطهر عقيلة العرب بانوی قهرمان کربلا را منهدم سازند.

ص: 37

چندی قبل سفر الحوالی به ضرورت انهدام بارگاه حضرت زینب(علیها السلام) فتوا داد.

ولی این کوردلان کور خوانده اند، در همین دمشق، عقيلة العرب حضرت زینب کبری(علیها السلام) در مجلس یزید، خطاب به آن طاغوت بزرگ زمان فرمود:

فَوَاللَّهِ لَا تَمَحُّوْ ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَلَا تُدْرِكُ أَمْرَنَا؛

هان ای یزید بدکار، به خدا سوگند تو نمی توانی نام نیک ما را از صفحات تاریخ محو کنی، تو هرگز نمی توانی آن چه را که به خاندان ما وحی شده از بین ببری، تو هرگز نمی توانی به جایگاه بلند ما راه یابی. (1)

به کوری چشم «سفر الحواری» بانوی قهرمان کربلا بر دل ها حکومت می کند و بیشترین کسانی که وارد سوریه می شوند، برای عتبه بوسی بارگاه حضرت زینب(علیها السلام) بار سفر بسته، از اقطار و اکناف جهان به این کشور سفر می کنند.

ولی از یزید و معاویه، نامی در تاریخ جز برای لعن و نفرین برده نمی شود.

چهارده قرن است که حضرت فاطمه(علیها السلام) قبر شناخته شده ندارد، ولی چیزی از جایگاه بلندش کم نشده است.

هدم قبور ائمه ی بقیع و هتک حرمت حرمین عسکرین نیز چیزی از عظمت و مقام آنها نکاسته و نمی کاهد.

ص: 38

---

1- ابن ابی طیفور، بلاغات النساء ص 33، باقر شریف القرشی، موسوعه سیره أهل البيت: ج 36، ص 339.

در همه ی منابع تاریخی، جغرافیایی، تفسیری، حدیثی، رجالی، کلامی و عقیدتی پیرامون جایگاه رفیع بقیع، فضیلت بقیع و مدفونین بقیع سخن رفته است.

در همه ی موسوعه ها، دانش نامه ها، لغت نامه ها و دائرة المعارف ها فصلی به بقیع اختصاص یافته است.

در همه ی نوشته های مربوط به نقد و بررسی وهابیت، شبهات وهابی ها و جنایات آل سعود، بخشی به بقیع پرداخته شده است.

در همه ی منابع مرتبط با توحید، شرک، شفاعت، زیارت، عزاداری، توسل، تبرک، گریه بر اموات، تعمیر قبور و بنا بر قبور در مورد بقیع سخن رفته است.

در همه ی کتب ردیه، به ویژه در ردیه های مرتبط با ابن تیمیه، عبدالوهاب، عثمان خمیس، ابراهیم جبهان، ابن بلیهد، عبدالله جبرین، صنعانی، البانی، ناصر القفاری، ابن باز، احسان صبری، احسان الهی ظهیر، ابن حزم، آلوسی، حسین حلمی ایشیق و دیگر منحرقان، بابی در مورد بقیع گشوده شده است.

تا کنون ده ها مقاله و پایان نامه در این رابطه منتشر شده است.

ما در این جا تنها از کتاب هایی که بالخصوص در مورد بقیع تألیف شده است نام می بریم و به ترتیب حروف الفباء تقدیم می کنیم:

1. بقیع تجلی غربت، از اندیشه صادق، چاپ 1380ش. 134 صفحه.

2. بقیع خاموش پر فریاد، از گروهی مؤلفان، چاپ قم، انتشارات حسنین، 1385 ش. 96 صفحه.

\*. بقیع در آینه ی شعر، از محمد خرم فر - زیر چاپ -

3. بقیع سرگذشت اسفبار و ویرانی آثار اسلامی حجاز به دست آل سعود، از یوسف الهاجری، ترجمه: محمد محمدرضائی، چاپ قم، بقیع، 175 صفحه.

4. البقیع الغرقد، از آیه الله العظمی سید محمد شیرازی، چاپ بیروت، مرکز الرسول الاعظم، 1420 ق.

5. البقیع الغرقد، از شیخ محمد امین امینی، چاپ تهران، انتشارات مشعر، 1428 ق. 480 صفحه.

6. البقیع الغرقد، از حاتم عمر طه و محمد انور بکری، چاپ مدینه، مکتبه الحلبي، 1424 ق. [به مذاق وهابی ها].

7. البقیع الغرقد، از حسن صالحی برغانی، فرزند ملا صالح برغانی، بی نا.

8. البقیع فی التّاریخ، از کریم المنفی، چاپ بیروت، دار البديل، 1430 ق.

9. البقیع قصّة تدمیر آل سعود، للآثار الاسلامیة فی الحجاز، از یوسف الهاجری، چاپ بیروت.

10. البقیع قضیة کلّ مسلم، از لجنة إحياء ذكری البقیع، لندن، 46 صفحه.

11. البقیع المنور، از المنظمة العالمیة للدفاع عن الاماكن المقدسة، چاپ لندن، 1420 ق.

12. تاریخ حرم ائمّه ی بقیع، از محمد صادق نجمی، چاپ تهران، مشعر، 1380 ش. 375 صفحه.

13. تاریخ حرم ائمة البقیع، از محمد رضا مهری، چاپ قم، المعارف الاسلامیه، 1386 ش. 376 صفحه.
14. تاریخ جنة البقیع، از حسن رضا غدیری، به زبان اردو.
15. تخریب و بازسازی بقیع، از سید علی قاضی عسکر، چاپ تهران، مشعر، 1391 ش.
16. ثامن شوال، از سید عبدالرزاق مقرر، نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم نگهداری می شود.
17. جنة البقیع، از سید ظفر حسن امروهی، چاپ لاهور، 1945 م. به اردو.
18. چرا به زیارت بقیع می رویم؟ از شیخ علی کاظمی، چاپ تهران، 1399 ق. 175 صفحه.
19. دانشنامه ی بقیع شریف، از محمد نوری، چاپ قم، صحیفه خرد، 1394 ش. 748 صفحه.
20. الدرّ التّصیغ فی زیارة النبی وائمة البقیع، از محمد صالح آل طعان - مخطوط -
21. الرّد علی فتاوی الوهابیین، از سید حسن صدر، چاپ بغداد، مطبعة عصریّة، 1344 ق.
22. رسالة فی ردّ الفتوی بهدم قبور ائمة البقیع، از شیخ محمد جواد بلاغی.
23. رسالة فی هدم المشاهد، از سید ابوتراب خوانساری، متوفای 1346 ق.
24. روضة الفردوس فی أسماء من دفن بالبقیع، از محمد بن احمد آق شهری، متوفای 731 ق.

25. التّروضة المستطابة، في من دفن بالبقيع من الصّحابة، از یکی از علمای قرن 11 ق. - مخطوط -
26. صواعق محرقة، در نقش وهابیت در تخریب عتبات مقدسه، از ابوالحسن مرندی، متوفای 1349 ق.
27. عنوان التّجابه في معرفة من مات بالمدينة المنورة من الصحابة، از مصطفى رافعی.
28. غربت بقیع، از نگارنده، چاپ اصفهان، بی نا، بی تا.
29. فاجعة البقیع، از جلال معاش، چاپ بیروت، دارالعلوم، 1427 ق. 192 صفحه.
30. فجایع الدّهور في انهدام القبور، از ابوالحسن مرندی، متوفای 1349 ق.
31. فضائل البقیع، از شیخ حسن صالحی برغانی - مخطوط -
32. قبور أئمة البقیع قبل تهديمها، از سید عبدالحسین حیدری، چاپ بیروت، دارالسلام، 1419 ق. 218 صفحه.
33. مجموعه شعر بقیع، از محمد علی مجاهدی، متخلص به پروانه.
34. محبوبیت ائمه بقیع نزد اهل سنت، از سید حسین اسحاقی، چاپ تهران، مشعر، 1390 ش. 251 صفحه.
35. المقصد الرفیع من زیارة البقیع، از احمد محمد فارس، چاپ سوریه، حلب.
36. المهّدّم من آثار المدينة المنورة، از عبدالقادر مغربی، چاپ تهران، سازمان حج، 1408 ق.



37. النظم البديع في مناقب أهل البقيع، از شهاب الدين برزنجي، متوفای 1337ق.

38. نوحه ی انهدام بقیع، از بشیر حسین مدرس، به زبان اردو.

39. نوحه جات جنّة البقیع، چاپ دهلی، نشر کاظم، بی تا، بی نا.

40. یوم البقیع، از شیخ حسن صفار، چاپ بیروت، موسسه البقیع.

ص: 43





دامنه ی سخن پیرامون بقیع بسیار گسترده است که در منابع تاریخی، سیاسی و اعتقادی، به ویژه در کتب تدوین شده پیرامون بقیع به تفصیل از آن سخن رفته است، ولی مطالبی ناگفته پیرامون بقیع هست که کمتر مورد توجه قرار گرفته، به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم:

ص: 46

## 1- دیدار ملک خالد با یکی از مراجع تقلید و طرح بازسازی بقیع

مرجع عالیقدر مرحوم آیه الله شریعتمداری در اسفند ماه 1346 ش. برای انجام فریضه ی حج به مدینه ی منوره مشرف گردید.

در آن زمان «ملک خالد» ولیعهد بود و به عنوان «امیر مدینه» شناخته می شد. (1)

امیر خالد در معیت «بن باز» (2)

به دیدار آن مرجع عالیقدر جهان شیعه مشرف شد.

آن مرجع بزرگوار از فرصت استفاده کرده، موضوع بازسازی بقیع را به این صورت مطرح نمود که اگر موافقت کنید، ما مسجد نبوی را توسعه می دهیم و قبرستان بقیع را جزء مرافق آن قرار می دهیم، یعنی مسجد را به قدری توسعه می دهیم که قبرستان بقیع به صورت بخشی از مسجد النبی درآید.

امیر خالد از این پیشنهاد استقبال کرد، ولی بن باز با آن مخالفت نمود.

ص: 47

---

1- . ملک خالد در سال 1344 ش. از سوی برادرش ملک فیصل به ولایتعهدی برگزیده شد و در فروردین 1354 ش. به دنیال کشته شدن ملک فیصل به سلطنت رسید.

2- . بن باز، متوفای 1420هـ. مناصب حکومتی مختلفی داشت، از جمله: مفتی اعظم عربستان، رئیس دانشگاه اسلامی مدینه، رئیس مجمع فقهی اسلامی و رئیس هیئت کبار العلماء بود.

بن باز دیدگاه سلفی تندی داشت، زیارت قبور را حرام می دانست و می گفت:

زیارت قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شرک و بدعت است، توسل، استغاثه، زیارت و ساختن گنبد بر فراز قبر آن حضرت نوعی شرک و بت پرستی است.

آیه الله شریعتمداری با آوردن دلایل روشن از منابع اهل سنت او را اقناع کرد و ایشان در آن جلسه تسلیم شد.

آنگاه ایشان پیشنهاد دیگری نمود و فرمود: زائران خانه ی خدا از نظر غسل زیارت با مشکل مواجه می شوند(1) ما می خواهیم در نزدیکی مسجد النبی محلی را ابتیاع کنیم و در آن حمامی با 300 دوش بسازیم و اداره ی آن را به سادات نخواستله بسپاریم و درآمد آن را به سادات نخواستله اختصاص دهیم.(2)

این پیشنهاد نیز مورد موافقت قرار گرفت.

در جلساتی که در مدینه و سپس در مکه در محل اقامت آن مرجع بزرگوار برگزار می شد، توسط خطیب توانا مرحوم صدر بلاغی برفراز منبر اعلام شد و شماره ای در این رابطه اعلام گردید.

بعد از مراجعت آن مرجع والا مقام، امیر خالد توسط تلگراف مخالفت بن باز را با هر دو موضوع رسماً اعلام کرد.

بازسازی بقیع در طول یک قرن که از هدم قبور ائمه(علیهم السلام) می گذرد، بارها توسط مراجع بزرگ تقلید مطرح شده و با پاسخ منفی آل سعود روبه رو شده است.

ص: 48

---

1- . در آن ایام هتل های فعلی وجود نداشت و حجاج در باغ ها، خانه ها و مسافرخانه ها اسکان می یافتند.

2- . در آن ایام سادات نخواستله با فقر و تنگدستی دست به گریبان بودند.

## 2- حضور بانوان در بقیع

در طول یک قرن که از هدم قبور ائمه ی بقیع می گذرد، غالباً هر روز دو بار بامدادان و شامگاهان درب بقیع به روی زائران باز می شود، زائران خانه ی خدا در ایام حج و عمره وارد بقیع شده، در کنار ائمه ی بقیع: و دیگر مدفونین بقیع حضور یافته، با تقدیم سلام و قرائت زیارتنامه به زیارت می پردازند. ولی هرگز به بانوان اجازه داده نمی شود که به قبور نزدیک شوند، قبر را لمس کنند، ببوسند و تبرک بجویند.

بردن مفاتیح رسماً ممنوع است، مناسک حج و دیگر کتب ادعیه را گاهی اجازه می دهند و گاهی مانع می شوند، گاهی از دست زائران می گیرند و پرت می کنند و با رفتارهای ناهنجار خود مهمانان خانه ی خدا را می آزارند.

در طول یک قرن که از هدم قبور بقیع می گذرد، هرگز به بانوان اجازه ی ورود به بقیع را نمی دهند و در کنار در ورودی تابلوی بزرگی نصب شده و در روی آن به زبان های مختلف به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت داده شده، که آن حضرت فرموده است:

ص: 49

خداوند لعنت کرده، یا لعنت کند بانوان زائر قبور را.

در این جا با سند و دلالت آن کاری ندارم، آن چه مسلم است این است که جبرئیل امین به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: خداوند به شما امر می فرماید که به بقیع رفته، برای اهل بقیع طلب مغفرت کنید.

عائشه پرسید: من به هنگام رفتن به بقیع چه بگویم؟ فرمود:

قولی: السّلام علی أهل الدّیار من المؤمنین والمسلمین. (1)

روی این بیان عائشه همواره به زیارت اهل قبور در بقیع می رفت و مطابق آن چه از پیامبر اکرم 9 فرا گرفته بود، می گفت: السّلام علی أهل الدّیار من المؤمنین والمسلمین.

هنگامی که عائشه از آن حضرت آداب زیارت اهل قبور را می پرسد، حضرت او را از آن نهی نمی کند، بلکه کیفیت زیارت آن ها را به وی می آموزد.

ولی آل سعود به شدّت از آن نهی می کنند و به چندین زبان در کنار در ورودی بقیع آن تابلو را نصب کرده اند.

در سالی که مرحوم هاشمی رفسنجانی به مکه ی معظمه مشرف بود، به ملک عبدالله گفت:

همسر من از اولاد امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و می خواهد قبر جدّ

ص: 50



بزرگوارش را از نزدیک زیارت کند. ملک عبدالله گفت: مانعی ندارد. لذا به مدت سه روز در بقیع به روی بانوان باز شد و همه ی زائران از بانوان در ساعت معین به بقیع می رفتند و ائمه ی بقیع را از نزدیک زیارت می کردند.

این مسامحه ی ملک عبدالله در مورد دوست دیرینه اش جای تقدیر و تشکر است، ولی جای این سوال باقی است که آیا حضور بانوان در بقیع و زیارت ائمه ی بقیع برای آن ها جایز است یا نه؟ اگر جایز است، چرا در طول یک قرن بانوان از زائران در ایام حج و عمره از این امر مجاز محروم بودند و اگر جائز نیست، چگونه است که چنین امری از نظر علمای وهابی حرام، بدعت و شرک می باشد، با تقاضای یک فرد جایز می شود و به مدت سه روز همه ی زائران خانه ی خدا از این فیض برخوردار می شوند؟!

ص: 51



### 3- اختصاص یک قطعه در بقیع به شیعیان

بیش از چهارده قرن است که بقیع تنها قبرستان اهل مدینه می باشد و بیش از ده هزار تن از اصحاب و صدها هزار تن از مسلمانان در این قبرستان به خاک سپرده شده اند.

با توجه به محدود بودن فضای بقیع روال بر این بوده که از یک طرف شروع کرده، اموات را در بقیع دفن می کنند، هنگامی که به آخر می رسند، برمی گردند و قبرهای نخستین را نبش کرده، افراد دیگری را در آن به خاک می سپارند.

پس از ارتحال شخصیت برجسته ی جهان تشیع، مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی عمّری در بهمن ماه 1389 ش.<sup>(1)</sup>

در سفری که به حجاز داشتیم به مزرعه ی ایشان در منطقه ی عوالی رفتیم، به فرزندش تسلیت گفتم، ایشان

ص: 53

---

1- . آیه الله شیخ محمد علی عمّری، رهبر شیعیان مدینه، روز دوشنبه 19 صفر 1432 برابر 4 بهمن 1389 در 104 سالگی در مدینه وفات کرد، پیکر پاکش روز پنج شنبه 22 صفر با حضور شخصیت ها، رجال دولتی و مذهبی تشیع شده، در قسمت آخر بقیع به خاک سپرده شد. ظاهراً در طول یک قرن هیچ تشیعی با این عظمت در عربستان برای احدی اتفاق نیفتاده است.

لطف کردند، فیلم مراسم تشییع ایشان را روی پرده ارائه دادند.

پس از مشاهده ی تشییع با عظمت و بی نظیر ایشان، از فرزندشان پرسیدم: پس از این همه شکوه و عظمتی که بر خلاف اندیشه ی وهابیان از ایشان به عمل آمده، چه عجب در اواخر قبرستان بقیع خاکسپاری شده است؟

ایشان نکته ی جالبی را گفتند که برای من تازگی داشت، از این رهگذر برای خوانندگان گرامی آن را بازگو می کنم:

ایشان فرمودند: در نزدیکی ائمه ی بقیع قطعه زمینی برای دفن شیعیان اختصاص داشت، هنگامی که این قطعه پر شد، طبق روال شروع کردند به نبش قبور اولیه، با کمال تعجب دیدند که غالب اجساد تر و تازه مانده، گذشت زمان هیچ تغییری در وضع آن ها ایجاد نکرده است.

دیدند اگر این مطلب منتشر شود و مردم از آن مطلع شوند، دلیل روشنی بر حقایق مذهب تشیع خواهد شد، از این رهگذر آن قطعه را رها کردند و قطعه ی دیگری را برای دفن شیعیان اختصاص دادند.

این قطعه نیز پر شد، هنگامی که به نبش آن ها پرداختند، با همان مشکل مواجه شدند، لذا قطعه ی دیگری را به شیعیان اختصاص دادند.

اینک قطعه ای که آیه الله عمری در آن خاکسپاری شده، به شیعیان اختصاص دارد و آن در اواخر بقیع می باشد.

امام بخش، یکی از مسئولین حرم بقیع که بیش از چهل سال دفن اموات زیر نظر ایشان انجام می شود، اظهار می کند که در این مدت در حدود 300 تن از مدفونین بقیع بعد از سال ها بدنشان تر و تازه بوده است.

#### 4- گزارش آیه الله عمّری از حرم ائمه ی بقیع

شخصیت برجسته، عالم فرهیخته، حضرت آیه الله شیخ محمد علی عمّری در منطقه ی عوالی مدینه مزرعه ای داشت، که شب ها در آن جا اقامه ی نماز می کرد، هر شب صد ها نفر از زائران ایرانی و غیر ایرانی در آن جا حضور می یافت، پس از نماز به عزاداری می پرداختند و در غالب شب ها سفره ی اطعام پهن بود و از کاروان ها دعوت می شد و پذیرایی به عمل می آمد.

در یکی از سفر ها مدینه بعد بودم، شب غدیر را در مدینه بودم، به مزرعه ی آیه الله عمّری رفتم، در آن شب مجلس بزرگداشت عید غدیر تا نزدیکی صبح ادامه داشت و ده ها نفر از شاعران و مادحان شعر خواندند.

آیه الله عمّری حسینیّه ای در پشت بقیع داشت و ظهر ها در آن اقامه ی جماعت می کرد، من در غالب تشرّف ها همه روزه در نماز جماعت ایشان شرکت می کردم.

جالب توجه است که در حسینیّه ی ایشان به قدر کافی تربت بود و همگان با آزادی کامل برای سجده از تربت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) استفاده می کردند.

ص: 55

آیه الله عمّری سالیان دراز در زندان های آل سعود شکنجه شده بود، ولی در پرتو صلابت و استقامت به جایگاه بلندی رسیده بود که در مزرعه و حسینیه آزادی عمل داشت.

گاهی بعد از فریضه ی نما در خدمتشان می نشستیم و از بیاناتش بهره می بردیم.

ایشان می فرمود: من به هنگام هدم قبور ائمه (علیهم السلام) 15 سال داشتم، ولذا حرم ائمه ی بقیع را به خوبی به یاد دارم، همه روزه به زیارت ائمه می رفتیم، حرم ائمه دو در داشت، از یک در وارد شده، زیارت می کردیم و از در دیگر بیرون می رفتیم.

با توجه به ارتحال ایشان در 104 سالگی در سال 1432هـ- معلوم می شود که ولادت ایشان در سال 1328هـ- بوده، در نتیجه به هنگام هدم قبور ائمه 15 سال داشته اند.

قبور ائمه ی بقیع یک بار در سال 1221هـ- تخریب شد، یک بار دیگر در سال 1344هـ- که آیه الله عمّری در آن اوان 15 ساله بود.

ده ها بار توفیق تشرف به حج و عمره را داشتم، همواره در مدینه ی منوره پس از نماز صبح و زیارت مضجع منور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به بقیع مشرف می شدم، و در مقابل ائمه ی بقیع: در محل سایبانی که برای توقف زائران منظور شده، می ایستادم و به زیارت می پرداختم.

رفتار شرطه ها با مهمانان خانه ی خدا متفاوت بود، گاهی اجازه می دادند که زائران آهسته از روی مناسک یا دیگر کتب ادعیه زیارت بخوانند و گاهی اجازه نمی دادند، برخورد می کردند، کتاب دعا را می گرفتند و پرت می کردند، ولی هیچوقت اجازه نمی دادند که در دست کسی مفاتیح الجنان دیده شود.

یک بار در کنار مضجع منور حضرت ابراهیم، فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشغول زیارت بودم که چند نفر از شیعیان کویته آمدند و از فردی که به عنوان هیئت امر به معروف و نهی از منکر آن جا ایستاده بود، پرسیدند: قبر ائمه ی بقیع کجاست؟

ایشان گفت: یقیناً در داخل بقیع می باشد، ولی محلّ دقیق آن معلوم نیست.

من محل قبور ائمه (علیهم السلام) را نشان دادم و گفتم: آن چهار قبری که مشاهده

می کنید، قبور مطهر ائمه (علیهم السلام) می باشد، اولی امام حسن مجتبی، دومی امام زین العابدین، سومی امام باقر و چهارمی امام صادق (علیهم السلام) می باشند.

آن مسئول به شدت عصبانی شد و به من گفت از شما نپرسیدند!

گفتم: آری از من نپرسیدند، از شما پرسیدند، شما نمی دانستید، ولی من اطلاع دقیق داشتم، آن ها را راهنمایی کردم.

به سوی من آمد، صدایش را بلند کرد و گفت: بیا برویم به مرکز امر به معروف و نهی از منکر.

گفتم: من با آن ها کاری ندارم، اگر آن ها با من کار داشته باشند، بیایند اینجا.

زائران برای حمایت از من بسیج شدند و ایشان کوتاه آمد.

هر روز از این برخورد ها آنجا بود، به ویژه در کنار قبر مطهر حضرت امّ البنین، در کنار عمه ی های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که در آن جا با خشونت بیشتری برخورد می کنند.

همواره تعدادی از افغان ها را استخدام می کنند که در مکان های زیارتی بایستند و به هنگام تجمع ایرانی ها به فارسی سخن بگویند و با ادبیات خاصی از حرام بودن زیارت، توسل، تضرع و استغاثه داد سخن می دهند.

در این برخورد ها افرادی را دستگیر می کنند و به نزد هیئت امر به معروف و نهی از منکر می برند و در مواردی آن ها را به بازگشت به کشور خود پیش از انجام مراسم حج وادار می کنند.



## 6- پدیدار شدن پیکر جناب اسماعیل

بر فراز قبر مطهر و مضجع منور اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) در طول قرون و اعصار گنبد و بارگاره بوده است.

در سال 1353 ش. به هنگام توسعه ی اطراف حرم نبوی قبر مطهر جناب اسماعیل در مسیر توسعه قرار گرفت.

بردیزل کار می کرد و زمین را صاف می کرد که یک مرتبه قبر مطهر اسماعیل باز شد و پیکر پاک ایشان به صورت تر و تازه مشاهده گردید و جسد ایشان به داخل بقیع انتقال داده شد و در اواخر بقیع در محاذات قبر شریف حلیمه ی سعدیه (دایه ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)) خاکسپاری شد.

اولین سفر حج حقیر در سال 1354 ش. بود، که دوستان محل قبر ایشان را به اینجانب نشان دادند و من در طول سالیان دراز بر سر مزار ایشان حضور یافته، سلام کرده، زیارت می نمودم.

صدیق ارجمند حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا عبدالعلی اسلامی آذرشهری که در سال 53 مشرف بوده، جسد آن حضرت را مشاهده کرده، بر

ص: 59

تر و تازه بودن بدن و کفن ایشان تاکید کرده و می گفت: من روی کفن ایشان دیدم که نوشته شده: «اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله».

در روایات آمده است که امام صادق (علیه السلام) پس از تکفین اسماعیل در حاشیه ی کفنش نوشت:

«اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله».(1)

ص: 60

---

1- . بحار الانوار، ج 81، ص 239.

## 7- جسد پاک و مطهر عبدالله در بقیع

جسد پاک و مطهر جناب عبدالله پدر بزرگوار رسول اکرم 9 بعد از 1447 سال در مدینه منوره تر و تازه پدیدار گشت.

جناب عبدالله مدّت کوتاهی پس از ازدواج با آمنه خاتون به یک سفر تجارّتی رفت، به هنگام بازگشت در یثرب (مدینه منوره) بیمار شد و در آنجا درگذشت.

قبر شریف جناب عبدالله در نزدیکی «مسجد النبی» قرار داشت و شیعیان به هنگام تشرّف به مدینه منوره، به زیارت قبر آن بزرگوار می شتافتند.

دولت سعودی در اجرای شیوه نکوهیده و هائیگری در سال 1394 هـ- قبر مطهر جناب عبدالله را با خاک یکسان نمود تا کوچک ترین نام و نشانی از آن بزرگوار باقی نباشد، ولی از آنجا که خداوند اراده فرموده که عظمت این خاندان را در کشاکش روزگار حفظ نماید، روزنه ای به قبر مطهر باز شد و جسد پاک و مطهر آن بزرگوار تر و تازه پدیدار گشت.

یکی از دشمنان قسم خورده اهل بیت به نام «حسین حلمی ایشیق» که تا کنون بیش از یکصد جلد کتاب بر علیه شیعه منتشر کرده، کتابی در عقاید نوشته

و به چندین زبان چاپ و منتشر کرده است، وی در این کتاب می نویسد: «باید هر مسلمانی معتقد باشد که حضرت ابوطالب کافر از دنیا رفت، و باید هر مسلمانی معتقد باشد که پدر و مادر پیامبر اکرم کافر از دنیا رفتند»!!!

از ضروریات عقیدتی ما اینست که حضرت ابوطالب موحد بود و پدران و مادران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مؤمن بودند، و هرگز نور پاک رسالت در صلب کافری قرار نگرفته و به رحم کافری منتقل نشده است.

شیخ صدوق می فرماید:

اعتقاد ما در مورد پدران و مادران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این است که همه ی آن ها از جناب عبدالله تا حضرت آدم و جناب آمنه، همه موحد و مسلمان بودند. (1)

محققان از علمای عامه نیز با ما هم عقیده هستند، از جمله جلال الدین سیوطی، که 6 جلد کتاب مستقل پیرامون ایمان جناب عبدالله و آمنه به شرح زیر نوشته است:

1) التعظیم والتمنّة في أن أبوی رسول النّبیّ في الجنّة

2) الدّرج المنیفة في الآباء الشّریفة

3) السّبل الجلیلة في الآباء العلیّة

4) سبل النّجاة في والدی النّبیّ

5) مسالک الحنفاء في والدی المصطفی

6) نشر العلمین المنیفین في إحياء الأبویین

ص: 62

---

1- . شیخ صدوق، الاعتقادات، ص 81.

سیوطی که از بزرگان اهل سنت است، این شش جلد را پیرامون ایمان حضرت عبدالله و حضرت آمنه تألیف کرده و کتاب دیگری در خصوص ایمان آمنه به عنوان: الفوائد الكامنة في ایمان السيدة آمنه» نوشته که همه ی آن ها به چاپ رسیده و در کتابخانه ی نویسنده موجود است.

هنگامی که جسد جناب عبدالله تر و تازه در مقابل هزاران تماشاچی پدیدار گشت، دولت سعودی ناچار شد که آنرا با تجلیل و تکریم به قبرستان بقیع منتقل نماید.

لازم به ذکر است که تا صد سال پیش از این، بر فراز قبر مطهر جناب عبدالله ضریحی بود که ابراهیم رفعت پاشا در سال 1319 هـ. در کتاب بسیار با ارزشی که در تاریخ حرمین شریفین نوشته، از آن گفتگو کرده است.

وی پس از تشریح گنبدها و بارگاه های داخل بقیع می نویسد :

«از جمله ضریح هایی که در خارج بقیع وجود دارد، ضریح عبدالله بن عبدالمطلب، پدر بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد که در داخل مدینه است»<sup>(1)</sup>.

صد سال پیش، روز هشتم شوال 1344 هـ. دست جنایت پیشه ی سعودی گنبد های مقدس ائمه بقیع و دیگر بارگاه های مربوط به اهل بیت را در مدینه ی منوره تخریب نمود، از جمله ضریح مقدس حضرت عبدالله را نیز تخریب کرد، ولی مرقد مطهر آن حضرت تا پنجاه سال قبل در حاشیه خیابان زیارتگاه خاص و عام بود، که در سال 1394 هـ. به بهانه ی توسعه ی خیابان خواستند

ص: 63

نشانی از مرقد مطهر آن حضرت باقی نباشد، ولی چون جسد مطهر تر و تازه پدیدار گشت، آن را به قبرستان بقیع منتقل نموده، در نزدیکی قبور شهدای احد دفن کردند.

اولین سفر نگارنده به حجاز یکسال بعد از این حادثه بود، و این خبر را از گروهی از حجّاج ایرانی که در سال 1394 هـ. مشرف بودند و جسد مطهر را با چشم خود مشاهده کرده بودند، شنیدم.

شاهد صدق این حادثه اینست که اگر جسد تر و تازه نبود دولت سعودی هرگز آن را به قبرستان بقیع منتقل نمی کرد، زیرا آئین وهابیت به شدت از این مسائل اظهار تنفر می کند.

از محلّ دفن جناب عبداللّه در منابع قدیمی: «دار نابغه» تعبیر شده(1)،

این محلّ جای رفت و آمد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده، و تصریح شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آنجا نماز خوانده است.(2)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در شش سالگی همراه مادرش به مدینه منوره تشریف فرما شده، به مدّت یکماه در «دار نابغه» اقامت نموده است. و لذا هنگامی که چشم مبارکش به دار نابغه افتاد، فرمود:

«مادرم مرا در اینجا منزل داد، قبر پدرم عبداللّه نیز اینجا است».(3)

ص: 64

- 
- 1- . وفاء الوفاء، ج 3، ص 867؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 8؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 7.
  - 2- . تاریخ المدینة المنورة، ج 1، ص 65.
  - 3- . طبقات ابن سعد، ج 1، ص 116.

دار نابغه در غرب مسجد النبی قرار داشت(1)

در کوچه « طوال » مشهور به «زقاق آمنه»(2).

محلّ دفن فعلی آن حضرت در بقیع مشخص است، و نگارنده در هر سفری که به سرزمین حجاز - در چهل سال اخیر - داشته، سعادت تشرّف به زیارت قبر شریفش را پیدا کرده است.

ص: 65

---

1- . وفاء الوفاء ، ج 1 ، ص 213.

2- . مدینه شناسی ، ص 399.





## 8- انتقال جسد مطهر علی بن جعفر به بقیع

دقیقاً 20 سال پیش، روز دوشنبه 21 مرداد 1381 ش. برابر 3 جمادی الثانی 1423 هـ. و 12 اوت 2002 م. قبر مطهر و مضجع منور جناب علی بن جعفر، فرزند دلبند امام جعفر صادق 7 در منطقه ی عریض تخریب گردید.

عریض نام دهکده ای در اطراف مدینه بود که در اثر توسعه ی شهر، به شهر متصل شده و اینک یکی از محلات مدینه می باشد.

امام باقر 7 روستای عریض را خریداری کرد و در تملک امامان بود و تا کنون یکی از مراکز شیعیان مدینه می باشد.

در مورد مدفن علی بن جعفر اختلاف است، در قم و سمنان گنبد و بارگاهی منسوب به ایشان است. محدث نوری و سید محسن امین قبر شریف ایشان را در عریض زیارت کرده اند و از گنبد و بارگاهش سخن گفته اند و تاکید کرده اند که قبر شریف ایشان در عریض می باشد. (1)

ص: 67

---

1- . محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 22، ص 487 و امین، أعیان الشیعه، ج 8، ص 177.

علامه ی مجلسی نیز آن را تقویت کرده و قبرهای منسوب به وی در قم و سمنان را تضعیف نموده است. (1)

سادات عریضی در همه جا منتشر هستند و غالب سادات نطنز از تبار ایشان هستند. (2)

علی بن جعفر محدث بزرگواری بود که احادیث فراوانی از امام کاظم، امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) روایت کرده و تعداد 864 حدیث از ایشان تحت عنوان «مسائل علی بن جعفر» در کتاب مستقلی گردآوری شده است. (3)

در یکی از سفرهایی که به حج یا عمره مشرف شده بودم، به عریض رفتم و مضجع منور ایشان را زیارت کردم.

در عریض مسجد بزرگی بود و مقبره ی ایشان در یک چهار دیواری به شکل مستطیل متصل به آن مسجد بود و درش همیشه بسته بود، لذا از پشت در ایشان را زیارت کردم.

چند ماه بعد در تابستان 1381 ش. برابر 1423 هـ. قبر ایشان تخریب گردید.

چند ماه بعد که به حج یا عمره مشرف شده بودم، به عریض رفتم و جای قبر تخریب شده ی ایشان را مشاهده کردم.

در کمال ناباوری دیدم که مسجد ملاصق مقبره را نیز احتیاطاً تخریب کرده اند، تا جای مقبره برای کسی معلوم نباشد، چوب و خشت و دیگر مصالح

ص: 68

---

1- . علامه ی مجلسی، تحفة الزائر، ص 667.

2- . مجلسی اول، روضة المتقین، ج 14، ص 191.

3- . چاپ موسسه ی آل البیت، قم، 1409 هـ. .

ساختمانی را به جای دوردستی برده، به صورت تلی درآورده بودند و محل مسجد و مقبره را آسفالت کرده بودند.

شنیدم که جسد ایشان به صورت تر و تازه مشاهده شده، درب یکی از خانه های اطراف را کوبیدم، جوانی بیرون آمد و داستان جسد مطهر ایشان را جویا شدم، گفتم: ایستاده بودیم تماشا می کردیم، بردیزل ها کار می کرد، ناگهان روی قبر باز شد، پیکر حضرت علی بن جعفر تر و تازه مشاهده شد، پیرمردی نورانی بود که گویی همین الآن به خواب رفته است.

پرسیدم: غیر از شما چه کسی مشاهده کرد، گفتم همه ی اهل محل دیدند.

آنگاه در خانه ی عده ای را زدم، همگی شهادت دادند که ما جنازه ی علی بن جعفر را تر و تازه مشاهده کردیم، آنگاه جنازه را به قبرستان بقیع منتقل کردند و در قسمت پشت ائمه ی بقیع، آن جا که همواره تعدادی شرطه می ایستد و کسی را به آن جا راه نمی دهند، به خاک سپردند.

علی بن جعفر عمر طولانی داشته، زمان امام جواد(علیه السلام) را درک کرده و همواره در محضر آن حضرت بوده است.

روزی علی بن جعفر در مسجد النبی بر مسند نشسته برای حاضران حدیث می گفت و آن ها می نوشتند، امام جواد(علیه السلام) که در سن نوجوانی بودند، وارد شدند. علی بن جعفر از جای خود پرید، بدون کفش و عبا به محضر آن حضرت شتافت، دستش را بوسید و مراتب تعظیم و تکریم به جای آورد.

امام جواد(علیه السلام) فرمود:

عموجان بنشین، خدای رحمتت کند.

عرضه داشت:

چگونه بنشینم در حالی که شما سرپا هستی!

هنگامی که امام جواد(علیه السلام) تشریف برد و جناب علی بن جعفر به کرسی تدریس خود بازگشت، برخی از حاضران گفتند: شما عموی پدر او هستی و با او این گونه رفتار می کنی؟

علی بن جعفر دست بر ریش خود نهاد و گفت:

آرام باشید! اگر خداوند این ریش سفید را لایق ندیده، این جوان را لایق دیده و این مقام را به او عطا فرموده، آیا جایگاه او را انکار کنم؟!

نه هرگز! من از سخنان شما به خدا پناه می برم و بنده ای بیش نیستم. [\(1\)](#)

ص: 70

---

1- . کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 322.

## 9- ماتم سرای حضرت فاطمه سلام الله عليها در بقیع

بعد از شهادت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه (علیها السلام) شب و روز برای فقدان پدر و خانه نشینی همسر گریه و ناله می کرد.

با توجه به موقعیت خانه ی حضرت فاطمه (علیها السلام) که متصل به مسجد النبی بود و دری به مسجد داشت، بانوان مدینه همه روزه شاهد گریه های جانسوز آن حضرت بودند، به خانه های خود می رفتند و از گریه های آن حضرت سخن می گفتند.

گریه های حضرت زهرا (علیها السلام) از حلقوم بانوان مدینه به تک تک خانه ها کشیده می شد و در سراسر مدینه طنین انداز می شد.

هیئت حاکمه این نغمه ها را بر خلاف مصالح خود دیده، از مولای متقیان تقاضا کردند که حضرت فاطمه یا شب ها گریه کند و یا روزها.

مولای متقیان اطاقکی در داخل بقیع برای حضرت فاطمه تأسیس کرد که در طول تاریخ به عنوان «بیت الاحزان» شهرت یافته است.

حضرت فاطمه (علیها السلام) بعد از آن، همه روزه دست فرزندان خود را می گرفت

و به بقیع می آمد و در آن اطاقک به نوحه سرایی می پرداخت.

بعد از شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) در بیت الاحزان بسته شد، و متروکه گردید.

50 سال بعد هنگامی که کاروان اسرا به مدینه آمدند، حضرت ام کلثوم در بیت الاحزان را باز کرد و در آن جا به ندبه سرایی پرداخت.

از آن به بعد همه روزه حضرت ام البنین به آن مکان می آمد و برای فرزندانش نوحه سرایی می کرد.

در طول قرون و اعصار آن مکان به «مسجد فاطمه» مشهور شد و زائران خانه ی خدا، پس از زیارت پیامبر اکرم و ائمه ی بقیع: در آن جا نماز زیارت به جای می آوردند.

غزالی می گوید: مستحب است که انسان همه روزه به بقیع برود، پس از سلام بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و زیارت قبور، در مسجد فاطمه، که همان بیت الاحزان است، نماز بخواند. (1)

بیت الاحزان در جریان تخریب اول بقیع به سال 1221 هـ. توسط آل سعود تخریب شد، سپس به دست سلطان محمود عثمانی تجدید بنا گردید، سرانجام در سال 1344 هـ. به هنگام تخریب قبور ائمه (علیهم السلام) آن بخش نیز تخریب شد و نشانی از آن نماند. (2)

ص: 72

---

1- . سمهودی، وفاء الوفاء، ج 3، ص 907 و 918.

2- . نوری، دانشنامه ی بقیع، ص 175.

## 10- قبر نمادین حضرت فاطمه سلام الله علیها در بقیع

در مورد محل قبر حضرت فاطمه (علیها السلام) سه قول است:

1. قبرستان بقیع

2. روضه ی نبوی

3. خانه ی خویش

از امام رضا (علیه السلام) پرسیدند: حضرت فاطمه (علیها السلام) کجا خاکسپاری شد؟ فرمود:

دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا؛

در خانه ی خویش دفن شده است. (1)

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

علی (علیه السلام) حضرت فاطمه (علیها السلام) را شبانه در خانه اش به خاک سپرد، که بعدها جزو مسجد شد. (2)

امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرمود:

ص: 73

---

1- . اصول کافی، ج 1، ص 460.

2- . ابن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج 1، ص 106.

حضرت فاطمه در خانه اش مدفون شد، بعدها عمر بن عبدالعزیز آن را در مسجد داخل کرد. (1)

احتمال دفن آن حضرت در روضه ی نبوی از آن جا نشأت گرفته که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

بَيْنَ قَبْرِی وَمَنْبَرِی رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ؛

میان قبر من و منبر من، باغی از باغ های بهشت است. (2)

شیخ مفید از این حدیث استفاده کرده که قبر آن حضرت در روضه ی نبوی می باشد. (3)

شیخ طوسی فرموده: روایت روضه و بیت با یکدیگر سازگار است، ولی احتمال دفن در بقیع به دور از حقیقت می باشد. (4)

کسانی که محل قبر آن حضرت را در بقیع می دانند به حدیثی از امام حسن مجتبی (علیه السلام) استناد می کنند که فرمود:

هنگامی که من وفات کردم، مرا تجهیز کنید، سپس به کنار رسول خدا ببرید که تجدید عهد کنم، از آن جا به نزد مادرم حضرت فاطمه

ببرید، سپس به بقیع برگردانید و در آن جا دفن کنید. (5)

ص: 74

---

1- . همان، ص 107.

2- . ابن فتال، روضة الواعظین، ج 1، ص 349.

3- . شیخ مفید، المقنعة، ص 459.

4- . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 10، ص 9.

5- . کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 302.



مرحوم تستری می فرماید: در اینجا منظور از مادرش فاطمه، حضرت فاطمه بنت اسد می باشد. (1)

محدث قمی نیز می فرماید: منظور از فاطمه که امامان در کنار قبر او مدفون هستند، فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمومنین (علیه السلام) می باشد. (2)

سمهودی از عز بن جماعه نقل می کند که قوی ترین اقوال آن است که بی بی در خانه اش مدفون شده، در مکان و محراب چویی، داخل مقصوره ی حجره ی شریف و من دیدم که خدام حجره، از پا نهادن در آن مکان به شدت امتناع می کنند و آن جا را محل قبر حضرت فاطمه (علیها السلام) می دانند. (3)

در سال 1346 ش. هنگامی که آیه الله شریعتمداری به حج مشرف شده بود، ملک خالد که در آن زمان ولیعهد بود و امیر خالد نامیده می شد، روزی در ساعتی که مسجد النبی بسته می شد، در حرم را برای ایشان باز کرده ایشان را با همراهان به داخل ضریح پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد کرده، ایشان با همراهان در وسط ضریح، قبر حضرت فاطمه (علیها السلام) را زیارت کرده، خطیب توانا مرحوم حاج محمود وحدت روضه خوانده و آن ضبط شده و من آن را از نوار استماع کردم.

روی این بیان قبرهایی که مولای متقیان (علیه السلام) در شب شهادت بی بی (علیها السلام) در قبرستان بقیع ترتیب داده بود، قبر نمادین بوده و هنگامی که معمار سقیفه

ص: 75

---

1- . تستری، تواریخ النبی و الآل، ص 82.

2- . محدث قمی، الانوار البهیة، ص 174.

3- . سمهودی، وفاء الوفاء، ج 3، ص 136.

در صدد نبش آن‌ها درآمد، مولای متقیان آن پیراهن زرد را که به هنگام حوادث ناگوار می‌پوشید بر تن کرده، از گریانش گرفت، بر زمین کوبید و خطاب به او فرمود:

ای فرزند زن سیاه حبشی! اگر به یکی از این قبرها دست بزنی، سوگند به خدایی که جان علی در دست قدرت اوست، خاک بقیع را با خونتان رنگین خواهم نمود. [\(1\)](#)

ص: 76

---

1- . طبری، دلائل الامامة، ص 136.





روز جهانی بقیع / 5

روز جهانی بقیع. 7

بقیع در گذر زمان / 11

بقیع در گذر زمان. 13

کهن ترین گورستان مسلمانان. 15

گلوازه ی بقیع. 15

مدفونین بقیع. 16

اولین مدفون در بقیع. 16

اولین مدفون از انصار. 18

بقیع از منظر رسول اکرم صلی الله علیه وآله. 18

حرم ائمه بقیع علیهم السلام 20

ریشه های تاریخی تئوری ویران سازی قبور. 21

برخورد دیگر مذاهب اسلامی با این تئوری.. 23

ص: 79

پیشینه ی تاریخی تئوری تخریب.. 24

پیشینه ی تهاجم به شهر مدینه. 28

کارنامه ی سیاه آل سعود. 31

آیا تعمیر قبور بدعت است؟. 33

کتابنامه ی بقیع. 39

ناگفته هایی پیرامون بقیع / 45

1. دیدار ملک خالد با یکی از مراجع تقلید و طرح بازسازی بقیع. 47

2. حضور بانوان در بقیع. 49

3. اختصاص یک قطعه در بقیع به شیعیان. 53

4. گزارش آیه الله عمری از حرم ائمه ی بقیع. 55

5. برخورد با شرطه ها 57

6. پدیدار شدن پیکر جناب اسماعیل. 59

7. جسد پاک و مطهر عبدالله در بقیع. 61

8. انتقال جسد مطهر علی بن جعفر به بقیع. 67

9. ماتم سرای حضرت فاطمه سلام الله علیها در بقیع. 71

10. قبر نمادین حضرت فاطمه سلام الله علیها در بقیع. 73

ص: 80

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

